

# محیط خانواده

## و اثرش بر اعتیاد

دکتر رضا مظفرمان



### ۱- تاثیر محیط آلوده

بدون شک همانطوری که محیط خوب از بزرگترین عوامل پرورش افکار و تنویر اذهان و گسترش ذوق و خواسته‌ها و تمایلات منطقی و صحیح است، در عین حال محیط بد و فاسد بخوبی قادر است که عمیق‌ترین تباهیها و آلودگیها و لغزشها را که گاه جبران



ناپذیر است نیز در فرد شکل دهد و او را بورطه سقوط بکشد .  
بهمین جهت اگر محیطی آلوده باشد ، عجیب خواهد بود چنانچه  
افرادی که در آن بسر می برند در دام اعمال نابهنجار و بزهکارانه دچار  
نگردند زیرا واکنشهای یک فرد ناسازگار همیشه فرآورده شرایط  
محیط و پیرامون اوست . فرد نابهنجار و منحرف ، آسیب دیده  
محیط نابهنجار و فاسد است . همیشه با دگرگون کردن شرایط  
محیط و زدودن تباهیها ، برداشتها و خصوصیات و اخلاقیات و در  
نتیجه رفتارها و اعمال تغییر پیدا میکند .

عده کثیری از معتادان که مورد مصاحبه قرار گرفته اند ،  
دلیل اعتیاد خود را فقط محیط آلوده معرفی نموده و آن را در  
سقوط خود مقصر قلمداد کرده اند . گرچه عنوان محیط آلوده به  
تنهایی کافی بنظر نمی رسد تا علت اعتیاد مصاحبه شوندگان را  
را کاملا مشخص سازد ولی با توجه بسایر مطالبی که ابراز داشته اند  
و خصوصیات که از آنان در دست می باشد و مورد مطالعه قرار گرفته  
است ، منظور آنان از محیط آلوده شامل اجتماع ، محیط شغلی  
و . . . و بالاخره هر محیطی است که در آن این افراد بدلائل  
مختلف زندگی کرده یا مجبور به اقامت در آن بوده اند . در این  
چنین محیطی که شاید تا حدودی اجبار زیستی هم وجود داشته  
است بعلت تباهی و فساد که در آن یافت می شده است ، فرد  
را در خود غوطه ور ساخته و بالاخره در دام اعتیاد کشانده است

## ۲- اهمیت خانواده

از دیر زمان همیشه خانواده موضوع بسیار بااهمیتی بوده  
است که کلیه محققین مخصوصا به آن توجه کرده و از جهات گوناگون  
مورد مطالعه قرار داده اند . امروز کلیه دانشمندان متفق القولند  
که خانواده یکی از موثرترین محیطهای است که در روی اعضاء خود  
میتواند اثرات مطلوب یا نامطلوب بگذارد و رفتار و کردار آنها  
را پایه گذاری نماید و بالنتیجه انسانهای خوب یا بالعکس منحرف  
تحویل اجتماع دهد .

جامعه شناسان خانواده را یکی از شالوده های اساسی  
حیات اجتماعی محسوب میکنند بهمین جهت وظائفی که بعهد  
آن است بسیار سنگین و در خور اهمیت فراوان میباشد . تعلیم و  
تربیت فرزندان که مردان فردای اجتماع را تشکیل میدهند و بار  
سنگین مسئولیتهای آینده بر دوش آنان است و همچنین پرورش  
شخصیت این نسل آینده از عمده ترین وظایف خانواده است  
باید از اعضاء خود افراد مفیدی بسازد و با اجتماعی کردن آنها  
و تطبیق دادنشان با جامعه ای که در آن زندگی می کنند عناصر  
سودمندی را تحویل اجتماع دهد . بنابراین چنانچه قصوری در  
این مورد مرتکب شود نه تنها صدمات بزرگی را بوجود خود اعضاء  
وارد آورده است بلکه بر پیکره اجتماع نیز زیانهای فاحشو گاهی  
جبران ناپذیر وارد می آورد زیرا افرادی که بطریقه شایسته ای در  
خانواده تربیت نشود و از تعالیم خوب برخوردار نباشند  
تا مبدل بعنصری مفید گردد ، هم خود را تباه میکنند و هم جامعه ای  
را که در آن راه خواهد یافت بفساد و تباهی میکشاند .

پاسی Passy در حالیکه اهمیت خاصی برای خانواده  
قائل است مینویسد که خانواده اولین جایی است که جامعه از  
آنجا معاش خوب یا بدش را برای تغذیه استخراج مینماید . ( ۱ )  
این گفته پاسی Passy حاوی یک حقیقت بزرگ میباشد  
زیرا در واقع چنانچه تشکیلات خانوادگی بر مبنای محیطی استوار  
باشند باعث توسعه و پیشرفت اجتماع میشوند و در غیر این صورت  
نظم و امنیت و آرامش را در هم خواهند ریخت . بهمین جهت  
بدون شک اثرات خانواده بر اجتماع اعم از آنکه خوب باشد یا  
بد اصل بدون چون و چرا قابل قبولیست که تا کنون هیچ جرم  
شناسی نتوانسته آنرا مردود قلمداد کند .

1- Chen "Etude Statistique sur la Criminalité en  
France" . P. 18

جرم شناسان بموضوع خانواده مخصوصاً " توجه کامل دارند و معتقد بتوانائی و اقتدارش در ایجاد کلیه تخلفات و جرائم میباشند .

دکتر کر Dr. Carre نیز مانند پاسی Passy ضمن اشاره به باهمیت خانواده، آنرا اولین جمعی میدانند که تشکیل دهنده محیطی است که فرد بر حسب خواسته های آن شکل گرفته و رشد میکند زیرا روی ارگانیک اثر میگذارد که کاملاً "آمادگی تغییر شکل را دارد . ( ۱ )

بهمین جهت تقلید در چگونگی اعمال و رفتار اشخاص نقشی اساسی ایفا میکند که میتوان نتایج آنرا با نمونه های فراوان روزانه ای که در دست است بخوبی اثبات نمود .

هویر Heuyer ( ۲ ) و دکتر دوگریف Dr. de Greaff ( ۳ ) نیز باین موضوع توجه خاص کرده و معتقدند که خصوصیات خانواده مجرمین ، مشخص کننده هنجارها و رفتارهای آنان در اجتماع است . بعبارت دیگر اعمال و کردار یک مجرم بوسیله محیط خانوادگی که به آن تعلق دارد فرم شکل میگیرند و رشد میکنند . رنه رستن René Resten ( ۴ ) نیز در تعقیب همین نظریات مینویسد که اثرات بدو نا مطلوب شرایط نادرست و زیان آور خانوادگی بر روی اعضاء حتمی و مسلم میباشند به طوریکه میتوان گفت که سه چهارم از مجرمین خردسال در یک محیط خانوادگی بهم ریخته و نامنظم و فاسد زندگی کرده اند .

همانطور که ملاحظه شد جرم شناسان معتقدند که خانواده نقش بسیار با اهمیت و اساسی را در نحوه رفتار و اعمال افراد خود بازی میکند و مخصوصاً " اثرات بسیار قطعی بر روی اطفال دارد . خانواده بهم ریخته اولین منبع رفتارهای ضد اجتماعی میباشد زیرا این تنها محیطی است که باو تحمیل شده است . او در اینجا متولد شده و به ادامه زندگی در همین محیط مجبور میباشد یا الا اقل میتوان گفت که اولین سالهای عمرش را باید در اینجا بگذراند . بهمین جهت با آن نام " محیط بی چون و چرا " یا " اجتناب ناپذیر "

محیط شناسی

داده اند . ( ۵ )

یک طفل از اولین سالهای زندگی اش باید تمام شرایطی که با اجازه دخول در اجتماع را میدهد از این محیط کسب نماید . با توجه به مطالبی که گفته شد میتوان با اهمیت خارق العاده خانواده پی برد بالاخص که مساله زود انعطاف پذیری اطفال و شکل گیری آنان مطرح است با در نظر گرفتن این موضوع مسئولیتی که متوجه خانواده است بزرگتر و بیشتر جلوه گر میشود . بدلیل همین قدرت و اهمیت است که کراتز Gratz اشاره میکند که پدر برای بچه بمنزله یک خداست . آنچه که او انجام دهد بدون هیچگونه چون و چرا برای طفل صحیح ، بی نقص و قابل قبولست پس اشاره میکند که اگر طفل خدارادر چهره پدر میبیند معذالک نباید فراموش کرد که قدرت و توانائی مادر نیز درخور اهمیت فراوان میباشد یا الا اقل این موضوع در او این سالهای زندگی کودک صادقست . ( ۶ )

بنابراین کودک در اجتماع دارای همان رفتار و کرداری خواهد بود که آنها را در خانواده خود و در نزد پدر و مادر مخصوصاً " مشاهده میکند . بهمین جهت شوان پرنگنی Peringny مینویسد بی دلیل نیست که زمانی که بتحقیق علل بزهکاری پرداخته میشود محققین در اولین وهله خانواده را متهم میکنند . ( ۷ )

1- Dr. Corre "Crime et Sincide". P. 490

2- Heuyer, "Psychiatrie – Psychologie --  
Psychanalyre"

3- Greef "Introduction à la Criminologie"

4- Resten "Caracteristique de Criminal" P. 16

5- Laignel – Lavaštine et Staucine" Precis de  
Criminologie" P. 228

6- Ibid, P. 228

7- Chen, Out-Cit, P. 18



بهر حال در محیط خانوادگی است که باید اصول اخلاقی کودکان را جستجو نمود. این خانواده است که روی شخصیت اعضاء شکل پذیر خود، روی گرایشها، روی روح و روان و بالاخره روی رشد طبیعیشان اثر میگذارد. یک محیط زیان آور، استعداد های اخلاقی جرم زا پرورش میدهد و بشدت آنها میآزاید در حالیکه محیطی که از تربیت خوب و کامل برخوردار دارد آنها را از میان میبرد و خصوصیات صحیح و رفتارهای عاقلانه را جانشین مینماید. روی این اصل یک محیط پر مهر و محبت و مطلوب خانوادگی به قول شازال Chazol آرامش میدهد و راحتی ایجاد می کند، مشوق است و اعتماد بوجود می آورد. ( ۱ )

خانواده های از هم پاشیده اثرات مضر و بسیار نامطلوبی در توسعه و رشد و حالت تاثیر پذیری اطفال دارند که بالنتیجه امکانات هم آهنگی آنان را با اجتماع از میان میبرند. بنا بر این کاملا " روشن است که چنین محیطی نه تنها نمیتواند وظایف خود را نسبت به کودکان انجام دهد بلکه بالعکس باعث سقوط اخلاقی آنها نیز خواهد شد زیرا نتایج لطمات ناشی از محرومیت از یک محیط خانوادگی مرتب، متشکل و خوب، ایجاد اعمال ضد اجتماعی خواهد بود.

### ۳- اعتیاد خانواده

یکی از عوامل عمده اعتیاد افراد، معتاد بودن افراد خانواده، مخصوصا " پدر و مادر است، از پدر و مادری که خود به انحراف مبتلا باشند محققا " نمیتوان انتظار تعلیم و تربیت داشت و توقع داشت که سرمشقهای خوبی برای فرزندان خود باشند، زیرا آنان خود آلوده اند و آلودگی آنان بدون شک بر سایر افراد خانواده بالاخص کودکان اثر بخش است.

کودکان از بهترین مقلدان میباشند، بهمین جهت آن چه را که بزرگان خانواده انجام دهند، بخوبی تقلید می کنند چون آنان اعمال و رفتار پدر و مادر یا سایر بستگان خانواده را

1- Chazol, "Etude de Criminologie Juvénille" p. 79

بهترین سرمشق و بهترین تعلیم برای خود به شمار می آورند. هنگامیکه پدر منحرف شود، پسر نیز بطرف انحراف گام برمی دارد و زمانیکه مادر بفساد گرایش پیدا نماید، دختر نیز فاسد میشود بنا بر این فساد و انحراف پدر و مادر مستقیما " کودکان را تباه می سازد.

پدر و مادر و سایر افراد خانواده بسه طریق دیگران را براه انحراف و اعتیاد میکشانند.

۱- یکی از طریق تشویق و ترغیب است. باینصورت که چون پدر و مادر یا دیگر اعضاء خود معتادند سایرین را نیز باین امر راغب میسازند و اشتیاق را در آنان ایجاد میکنند.

۲- طریقه دیگر تسامح و بی توجهی آنان بفرزندان و دور کردن آنان از محیط آلوده ای است که خود بوجود آورده اند. افرادی که در میان معتادان بزرگ شوند و صبح تا شب دود غلیظ ناشی از تریاک را استنشاق نمایند یا نحوه بکار بردن هروئین یا حشیش را مشاهده کنند. محققا " کم کم بآنها تشویق میشوند تا خود نیز استعمال نمایند.

۳- پدر و مادر معتاد، فرزندان خود را از دوران خردسالی معتاد میکنند. در مصاحبه ای که در بیمارستان معتادان تهران انجام شد، مادر کودکی ده ماهه که خود و شوهرش بعلت اعتیاد تحت درمان بودند، اظهار داشت که کودکش معتاد متولد شده است چون بمحض تولد، دهن دره میکرده است. به همین جهت هر دفعه باندازه یک عدس شیره باو میداده است تا کسالتش مرتفع گردد. این مادر این امر را آنقدر ادامه داده بود که کودک کاملا " معتاد شده و تاروزی سه عدس شیره می خورده است.

گاهی هوای اتاق که در آن عده ای معتاد با استعمال تریاک مشغولند باعث اعتیاد سایر افراد خانواده بالاخص کودکان میشود زیرا نمونه های بسیاری بدست آمده است که فقط هوای اتاق مسموم کننده باعث اعتیاد افراد شده و آنان را بورطه انواع و اقسام نابهنجار یها سقوط داده است.

استفاده از وجود کودکان در مورد حمل و نقل مواد مخدر و داروی مورد نیاز معتاد خانواده و استفاده از او به عنوان یک وسیله مطمئن باعث میشود که کودکان که از حس کنجکاوی عمیقی برخوردارند گاهی بخود جرات دهند و آنچه را که بزرگ خانواده انجام میدهند و از نظر آنان محققا "پسندیده است خود آزمایش نمایند. بنا بر این تقلید از افراد خانواده، تسامح بزرگان خانواده و غفلت آنان از فرزندان و نادانی و جهالت معتادان در داخل خانواده و بالاخره محیط مسموم کننده خود از عوامل سوق کودکان بطرف مصرف مواد مخدر و دچار شدن آنان بدام اعتیاد میباشد.

#### ۴- بیسوادی والدین

بیسوادی و نادانی والدین و عدم وقوف آنان بدانستنیهای اجتماعی و فقدان پرورش لازم اجتماعی، همیشه برای کودکان خانواده مصیبتهای شومی ببار آورده است زیرا متاسفانه بنحوه تعلیم و تربیت دادن فرزندان و وظایفی که در قبال آنان دارند آگاه نیستند بهمین جهت نمیتوانند از آنان افرادی مفید به سازند و با اجتماعی کردن فرزندان خود عناصری سودمند به اجتماع تحویل دهند.

این قصور و عدم آگاهی بوظایف نه تنها بزرگترین لطمات را به خانواده وارد میآورد بلکه به پیکره اجتماع هم صدمات و زیانهای بزرگی میزند زیرا کودکی که در خانواده بطریقه صحیحی تربیت نشود و از تعالیم درست برخوردار حاصل ننماید تا مبدل به عنصری مفید گردد، هم خانواده و هم خود را تباہ میکند و هم جامعه‌ای را که در آن راه خواهد یافت بفساد و تباہی میکشاند. از سوی دیگر والدین بیسوادی که خود از تعلیم کامل بی بهره میباشند نسبت به فرزندان خود اعمال و رفتاری را پیشه میسازند که قبل از آنکه تربیت کننده باشد انحراف آفرین است.

بیسوادی، بی توجهی، کمبود محبت، عدم ارضاء خواسته‌ها و حوائج که همه از عدم احساس مسئولیت پدر و مادر سر چشمه میگردد، باعث میشود که کودک در اجتماع بدنبال

نیازهای روانی و جسمانی خود بگردد و اولین کسی که آنها را در اختیارش بگذارد مریدش گردد و مجذوب او شود.

بیشتر کودکانی که بانحرافات گوناگون اخلاقی دچار میشوند از یک محیط خوب تربیتی محروم بوده‌اند و چون به جستجوی عاطفه و محبت پرداخته اند ناآگاهانه در دام بدکاران افتاده و منحرف شده‌اند.

در مصاحبه‌های انجام شده با معتادان عده کثیری از آنان مستقیما "بیسوادی پدر و مادر و عدم توجه آنان را عامل اعتیاد خود بشمار آورده‌اند.

بر حسب مطالعاتی که صورت گرفته است پدر و مادرهای بیسواد و محروم از پرورش لازم اجتماعی بدو صورت فرزندان خود را در مرحله انحراف و اعتیاد قرار داده‌اند.

۱- در دوران خردسالی بعلت بیماری و گریه و زاری یا دلائل مشابه، پدرها و مادرها برای ساکت کردن و آرامش دادن کودک حبه‌های کوچک تریاک را با و خوراندند و چون اینکار را ادامه داده‌اند بتدریج باعث اعتیاد او شده‌اند.

۲- پدر و مادر بعلت اشتغالات گوناگون، نادانی و جهالت از یک سو بفرزند خود بی توجهی کرده و عواطف لازم را باونداده‌اند و از سوی دیگر مراقبتهای ضروری را از او بعمل نیاورده‌اند در نتیجه باعث شده‌اند که او بخارج از منزل رانده شود و در دام انحراف بیفتد.

#### اثر همسران برهم

گرچه همانطور که اشاره شده پدر و مادر معتاد همیشه خطرات بیشماری برای کودکان خود بوجود می‌آورند و آنان را بورطه سقوط میکشاند ولی در عین حال هر یک از آنان که معتاد باشند برای دیگری نیز خطری جدی بشمار می‌آید.

معمولا "همسر معتاد برای دیگری از هر عامل نابهنجار و نامطلوبی خطرناک تر میباشد زیرا زن و شوهر بعلت معاشرت



نزدیک و دوام آن و برخوردهای جسمانی و جنسی بیشتر از کودکان مورد تهدید قرار می‌گیرند.

در مصاحبه‌های انجام شده عده‌ای از معتادان علت اعتیاد خود را مستقیماً "ابتلاء همسر ب مواد مخدر ذکر نموده‌اند. برخی از معتادان مخصوصاً "هنگامی که در مهمانیهای تریاک کشیدن یا استعمال برخی مواد مخدر دیگر، شرکت می‌کنند همسران خود را هم وا میدارند تا با آنان هم گامی نمایند و عمل آنها را انجام دهند. بدیهیست که این عمل که غالباً " بطور مداوم صورت می‌گیرد بتدریج همسران را هم بدام اعتیاد دچار می‌سازد.

برخی از معتادان که غالباً "مردها میباشند علت اعتیاد خود و سرزنشهای مداومی که از همسر می‌شنوند سعی میکنند تا به انحاء گوناگون اورا معتاد نمایند.

غالباً شوهران معتاد باصرار و ابرام و حتی خواهشهای عاجزانه و با لابه از همسران خود می‌خواهند که فقط لبی بوافور بزنند و چند نفس بکشند یا قدری از مواد مخدر دیگری که آنان استعمال می‌کنند همسرشان نیز مصرف نماید. که این خواهشها به طور متوالی تکرار میشود و بالاخره روزی می‌رسد که دیگر نیازی بخواهش نباشد زیرا آن روز همسر خود نیز معتاد شده است.

### عـ اختلافا ت و ناراحتیهای خانوادگی

در حقیقت زائد است که گفته شود که تا چه حد یک محیط خانوادگی سالم و عاری از اختلاف و ناراحتی شرط اساسی شکفتگی و رشد منظم کودکان و پرورش دهنده استعدادها و آفریننده رفتارهای عاقلانه و منطقی آنان میباشد در حالی که خانواده‌های از هم پاشیده، ناسالم و نامتعادل و ناراحت خود رکن اساسی و رشد و توسعه نابهنجار و بوجود آورنده خطرات بزرگ برای اعضاء خود میباشد.

در خانواده‌ای که رفتارهای متناسب و عاقلانه جای خود را بخشونت و بداخلاقی بدهد مهر و محبت و عطوفت وجود نداشته

باشد، تبعیض و دعوای نزاع و اختلافات مداوم و باز دو خورد های بین دو همسر آرامش آن را برهم بزند و زود خشمی و بداخلاقی و عصبانیت و تنبیهات مختلف و سختگیریهای بی مورد حکومت کند، محقق است که اثرات بسیار نامطلوبی بر روی اعضاء بالاخص بر روی کودکان و نوجوانان و جوانان میگذارد و روحشان را پراز تشویش و وجودشان را مملو از ناراحتی میکند.

چنین محیطی نه تنها تاثیر مطلوب و مثبتی برهیچیک از اعضاء خود نمیگذارد بلکه عامل اساسی انحراف آنان میباشد. در صد بسیار قابل ملاحظه‌ای از معتادان مورد مصاحبه علت اعتیاد خود را اختلافات و ناراحتیهای خانوادگی ذکر کرده و وجود مواد مخدر را آرامش بخش حالت نگران و ناراحت خود بشمار آورده‌اند.

مرکزهماهنگی مطالعات محیط زیست